

پیشگیری و مقابله با حملات تروریستی «داعش» در حقوق بین الملل

سهیلا کوشا*

چکیده

هدف عملیات تروریستی را ایجاد ترس شدید و علت آن را «ادامه نظام استعماری، استثمار و استقلال طلبی» دانسته‌اند. این عملیات پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای مخالفت با نظام حاکم به صورت «هوآپیماری، بمب‌گذاری، خرابکاری، آدم‌ربایی و ترور شخصیت‌های مهم» بود. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر گروه تروریستی «القاعده» و «داعش»، با اهداف سیاسی مذهبی مبادرت به انجام عملیات تروریستی کردند. شورای امنیت هم در قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) تروریستی بودن عملیات «داعش» را به رسمیت شناخت. پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی به خصوص سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» چیست؟ با توجه به اینکه «داعش» صلح و امنیت بین‌المللی، آزادی و حق حیات و روابط دوستانه را به خطر انداخته است، تابعان حقوق بین‌الملل می‌توانند از شورای امنیت بخواهند تا علاوه بر احراز نقض صلح و اتخاذ اقدام مقتضی طبق منشور، از دیوان کیفری بین‌المللی درخواست محاکمه جنایتکاران «داعش» را کنند.

کلیدواژگان

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دیدبان حقوق بشر، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، سازمان عفو بین‌المللی، عملیات تروریستی «داعش».

مقدمه

امروزه با گذشت سال‌ها از شکل‌گیری «داعش» و به‌خصوص رویه آنها برای کشتار مردم بی‌دفاع، رعایت نکردن مقررات حقوق بشردوستانه و گسترش عملیات تروریستی آنها به اروپا، جامعه جهانی بیش از پیش درصدد یافتن راهکاری برای پیشگیری و مقابله با آن است. اولین عملیات تروریستی توسط فرقه اسماعیلیه در قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی رخ داد. سپس هندوها برای دستیابی به اهداف خود دست به اقدامات تروریستی زدند. اقدام یهودیان مخالف حکومت رم در فلسطین هم نوعی عملیات تروریستی در قالب مذهب بود (کاردانکوس، ۱۳۷۱: ۳-۱). فرهنگستان علوم فرانسه، تروریسم را «رژیم وحشت» دانسته که ژاکوپن‌ها در فرانسه با برداشتی مثبت درباره خودشان استفاده می‌کردند و در اثر کاربرد بیش‌ازحد گیوتین به تدریج مفهوم منفی پیدا کرد (طیب، ۱۳۸۲: ۲۱). در پیوست فرهنگ لغت بریتانیکا تروریسم «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها و مردم جهت دستیابی به یک هدف سیاسی» دانسته شده است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۱۰). با توجه به مطالب بیان‌شده و نحوه عملکرد «داعش» می‌توان گفت که «داعش» یک گروه تروریستی است. از همین رو اهمیت بررسی مقررات حقوق بین‌الملل موجود و نقش دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» عبارت‌اند از: «الف» عملیات تروریستی پس از پایان جنگ سرد و به‌خصوص پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌علت جهانی شدن اقتصاد، کم‌رنگ شدن مرزهای سیاسی، پیشرفت روزافزون وسایل حمل‌ونقل دارای ابعاد جدیدی شده است. به‌گونه‌ای که امروزه قربانیان اصلی این حوادث افراد غیرنظامی‌اند؛ ب) «داعش» با دسترسی به فناوری‌های روز، به‌خصوص رایانه مرزها را درنوردیده است؛ ج) «داعش» با تبلیغات گسترده از طریق رایانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توجه تعداد بیشتری از افراد را به خود جلب کرده، به‌گونه‌ای که امروز هواداران آنها منحصر به یک دولت خاص نیست.

هدف پژوهش حاضر ارائه راهکاری مؤثر برای پیشگیری و مقابله حقوقی با گسترش روزافزون حملات «داعش» و تنوع شبکه‌ای آن است. چون حاصل تلاش نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی، نزدیک کردن مواضع حقوقی دولت‌ها، تصویب کنوانسیون‌ها و صدور قطعنامه‌هایی در این خصوص است. اما به‌نظر می‌رسد دست نیافتن به تعریفی شفاف و قابل قبول از تروریسم بین‌المللی که مورد اجماع جهانی باشد و حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت (بعضاً حامی حملات تروریستی داعش)، موجب شده تا نه‌تنها اقدامات سازمان ملل در عمل ناکام بماند، بلکه بسیاری از کشورها با سوءاستفاده از عدم تعریف تروریسم، برداشتهای متنوعی داشته باشند. از همین رو به‌دلیل اتخاذ رویه‌های متفاوت در پیشگیری و مقابله با حملات تروریستی «داعش» تا به حال چندان موفق نبوده‌اند. چون دولت‌های عضو دائم شورای

امنیت که باید در صف اول پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» باشند، با توجه به منافع ملی خود تروریسم را تعریف می‌کنند. از طرفی شناسایی گروه‌های تروریستی را ابزاری سیاسی برای تأمین منافع خود و مشروعیت بخشیدن به عملیات اتخاذی خودشان در عرصه بین‌المللی قرار داده‌اند، تا جایی که برخی از آنها به حمایت و پشتیبانی از «داعش» پرداخته‌اند. در این پژوهش نخست نوع عملیات تروریستی «داعش»، با توجه به دسته‌بندی گروه‌های تروریستی تشریح می‌شود. سپس راهکارهای حقوقی موجود در منشور سازمان ملل و تعهدات دولت‌ها، نقش ارکان سازمان ملل، سازمان عفو بین‌المللی، دیدبان حقوق بشر و مقررات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

بررسی و تحلیل عملیات تروریستی «داعش» و انگیزه آنها

پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم، شاخه القاعده عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی، مبادرت به عملیات انتحاری در عراق کرد. ابوبکر البغدادی از سال ۲۰۱۰ رهبری القاعده عراق را بر عهده گرفت. با شروع جنگ داخلی سوریه با فتوای ایمن الظواهری (رهبر اصلی نیروهای القاعده) همه نیروهای القاعده به سوریه عزیمت کردند. اما با بروز اختلاف بین آنها، القاعده عراق به رهبری ابوبکر البغدادی با جبهه النصره درگیر شد. ایمن الظواهری در حکمیت بین آنها دستور به بازگشت القاعده عراق داد. این امر موجب نقض بیعت بین این دو و جدایی ابوبکر البغدادی از القاعده شد. ابوبکر البغدادی هم گروه «داعش» را تأسیس کرد (طباطبائی لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

فرهنگ حقوقی بهمن «تهدیدات تروریستی» را تهدید به خشونت با هدف ارباب دیگری و مجبور کردن او به تخلیه ساختمان یا محل اجتماع یا تأسیسات عمومی دانسته است (آقایی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). در سطح بین‌المللی اصطلاح «تروریسم» اولین بار در سومین کنفرانس بین‌المللی کردن حقوق جزا در بروکسل (۱۹۳۰) به کار رفت (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۸۸-۱۸۷). بارزترین اختلاف در تعریف تروریسم درباره تفکیک تروریسم از مبارزات جنبش‌های آزادی‌بخش ملی است که براساس «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» طبق منشور سازمان ملل (منشور) مشروع دانسته شده است. از طرفی تروریسم یک جرم سیاسی است. از این‌رو هر دولتی با توجه به اهداف و سیاست‌های خودش، برداشت متفاوتی از آن دارد (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۱-۹). با توجه به تعاریف ارائه شده، چهار عنصر لازم برای تحقق تروریسم عبارت‌اند از: «ارتکاب هدفمند یا تهدید به خشونت، به‌کارگیری یا تهدید به خشونت در خارج از زمان جنگ، ایجاد یا تهدید به ایجاد وحشت و اینکه علیه قربانیانی باشد» (ساندوز، ۱۳۸۲: ۳۸۲-۳۳۱).
کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم (۱۶ نوامبر ۱۹۴۷) بیان می‌دارد: «تروریسم،

اقدامات جنایی سازماندهی شده افراد با به کارگیری روش‌های وحشت‌زا علیه دولت موردنظر یا شخصیت خاص یا عموم مردم است». این کنوانسیون به سبب وقوع جنگ جهانی دوم، لازم الاجرا نشد و مفهوم واقعی تروریسم عملاً کشف نشد (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۰). از میان عهدنامه‌های مصوب سازمان ملل اصطلاح «تروریسم» یا «تروریست» در عنوان سه معاهده زیر ذکر شده است: «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریستی انفجاری (۱۵ دسامبر ۱۹۹۷)، کنوانسیون بین‌المللی در خصوص منع حمایت مالی از تروریسم (۹ دسامبر ۱۹۹۹) و کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای (۱۳ آوریل ۲۰۰۵). البته عبارت «تروریسم» در متن دو کنوانسیون یعنی کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با گروگان‌گیری (۱۷ دسامبر ۱۹۷۹) و کنوانسیون جلوگیری از اعمال نامشروع بر ضد امنیت کشتیرانی دریایی (۱۰ مارس ۱۹۹۸) مشاهده می‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل (مجمع عمومی) در قطعنامه ۴۰/۶۱ با اجماع همه شیوه‌های توسل به عملیات تروریستی را محکوم کرد. ولی تلاش و مبارزه مردم سرزمین‌های استعماری برای استقلال از سلطه استعماری و آزادی از اشغال بیگانه، در قالب نهضت‌های آزادی‌بخش طبق «منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری در میان ملت‌ها» را مشروع اعلام کرد. به‌طور کلی عملیات «داعش» به دلایل ذیل تروریستی است:

«استفاده از قلمرو سوریه و عراق جهت انجام اقدام نظامی علیه سایر دولت‌ها؛ حمله به اهداف ممنوعه (غیرنظامی) یا شیوه‌های ممنوع اعمال زور مانند کاربرد سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی؛ اغماض یا کوتاهی در جلوگیری از ارتکاب چنین اقداماتی توسط عوامل آن‌ها». از طرفی یک اقدام تروریستی در صورتی جرمی بین‌المللی تلقی می‌شود که علیه افراد تحت حمایت کنوانسیون چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن (۱۹۷۷) صورت گرفته باشد یا از مصادیق جرایم علیه بشریت یا جرایم جنگی باشد که براساس مقررات منشور و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ممنوع شده‌اند. از این‌رو نقش دولت‌ها در رسیدگی به اکثر جرایم تروریستی انکارناپذیر است، زیرا رسیدگی به این جرایم در صلاحیت ملی دولت‌ها قرار می‌گیرد و جرم بین‌المللی تلقی نمی‌شوند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۱).

۱. ماهیت و ساختار گروه تروریستی «داعش»

گروه‌های تروریستی را به «آخرالزمانی (غایی‌گرا)»^۱، سیاسی - مذهبی، ملی‌گرا یا جدایی‌طلبان و دارای هدف واحد^۲ دسته‌بندی می‌کنند (Ferguson, 2005: 20-23). به‌نظر می‌رسد گروه تروریستی «داعش» جزو گروه‌های تروریستی آخرالزمانی (غایی‌گرا) و سیاسی-مذهبی قرار گیرد.

1. Apocalyptic Groups
2. Single - Issue Terrorists

چون این گروه شام معتقد است، پایان نظم جهان کنونی نزدیک است و آنها باید نقش فعالی در وقوع این حادثه داشته باشند و برای تسهیل آن توسل به خشونت و زور اجتناب‌ناپذیر است. بیشتر تروریست‌های آخرالزمانی مخالف کاربرد خشونت مستقیم علیه جامعه خودشان هستند. آنها اغلب دارای انگیزه‌های مذهبی و اضطراب‌اند و رهبران پرجذبه دارند که از جوامع بزرگ‌تر بیگانه‌اند و همواره در انزوا به سر می‌برند. آنها بدگمان و شکاک‌اند، از این‌رو علاقه بالقوه‌ای برای ارتکاب هر گونه عملیات تروریستی دارند. «داعش» از این نظر می‌تواند جزو گروه‌های سیاسی - مذهبی دسته‌بندی شود که عملیات تروریستی آنها ارتباط بسیار محکمی با «فن سخنوری، مسائل ایدئولوژیکی (باورهای وهابیت و سنی‌گری سلفی) و عملیات فیزیکی» دارند. این گروه توان بالقوه دسترسی به مواد منفجره و تسلیحات متعارف و اهداف بسیار باارزش را دارد. اما جزو گروه‌های ملی‌گرا یا جدایی‌طلبان یا گروه‌های تروریستی دارای هدف واحد قرار نمی‌گیرد. چون هدف ملی‌گرایان دسترسی به اهداف سیاسی، قومی و قبیله‌ای است و توجه خاصی به ارزش‌های بنیادین دارند. گروه‌های تروریستی تک‌بعدی همانند کاتالیزور عمل می‌کنند و هدف آنها تغییر دادن سیاست‌ها یا رفتارهای جامعه است. توسل این گروه به عملیات تروریستی برای وادار کردن مردم و دولت‌ها جهت توجه به مشکلات آنهاست (کوشا، ۱۳۸۹: ۷۱-۶۱).

۲. انگیزه و علل عملیات تروریستی «داعش»

به‌طور کلی خصوصیات و انگیزه گروه‌های تروریستی «داعش» برای توسل به عملیات تروریستی عبارت‌اند از: «الف) شبه‌دولتی بودن؛ ب) جلب توجه دیگران یا کسب امتیازهای سیاسی بیشتری برای خودشان» (Frost, 2005: 20-51). با توجه به اینکه گروه تروریستی «داعش» جزو گروه‌های تروریستی آخرالزمانی (غایی‌گرا) قرار می‌گیرد، معتقدند کوچک‌ترین انفجاری به‌ویژه در اروپا موجب ایجاد درگیری وسیع و در نهایت جنگ جهانی سوم و بعضاً هسته‌ای می‌شود؛ از این‌رو سریع‌تر می‌توان به آخرالزمان رسید. بنابراین آنها تمایل زیادی به استفاده از مواد منفجره و تسلیحات نامتعارف و سایبر تروریسم دارند. از طرفی جزو گروه‌های تروریستی سیاسی - مذهبی‌اند و با گسترش عملیات تروریستی خواستار دستیابی به تبلیغات سیاسی و تأثیر بر حالات روحی - روانی طرفدارانشان هستند که با ایجاد تخریب وسیع به هدفشان می‌رسند، زیرا هر اقدام تروریستی در کشورهایمانند فرانسه و بلژیک، بی‌شک در کسب هدف سیاسی آنها تأثیر بسزایی خواهد داشت. اما همانند حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌دنبال ایجاد مرگ‌ومیر گسترده نیستند و بیشتر در پی ایجاد رعب و وحشت شدید، ایجاد خسارات فیزیکی و اقتصادی گسترده‌اند. بررسی علل و انگیزه گروه تروریستی «داعش» برای توسل به عملیات تروریستی گامی مفید برای تجزیه و تحلیل اهداف آنهاست. به‌نظر می‌رسد بیشتر در پی تخریب وسیع، خرابکاری محدود یا انجام یک‌سری اقدامات نمادین هستند؛ زیرا هدف رهبران آنها تأثیر

بر افکار عمومی و بالأخص دیده شدن توسط دیگران است و از نظر روحی - روانی در پی رسیدن به نتیجه با هر قیمتی هستند. به طور کلی عوامل متعددی در گسترش عملیات تروریستی «داعش» تأثیر دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) رواج استعمار، سلطه خارجی، اشغال بیگانه و آپارتاید که ناقض «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» هستند؛ ب) پدید آمدن دولت‌های جدید در جهان معاصر و در نتیجه بروز مشکلات جدید؛ ج) پیشرفت فناوری از جمله جنگ‌افزارهای خودکار که با کنترل از راه دور کار می‌کنند؛ د) رونق تجارت اسلحه و تسهیل دستیابی به آنها در جهان معاصر؛ ه) شعار جهانی شدن اقتصاد و هژمونی آمریکا پس از جنگ سرد (دهه ۹۰ میلادی)؛ و) فقر اقتصادی، فرهنگی و ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات داخلی خودشان؛ ز) نقش رسانه‌های جمعی درباره پوشش و پخش عملیات تروریستی به ویژه پس از انقلاب رسانه‌ای و رواج اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای پخش مستقیم (کوشا، ۱۳۹۴: ۲۸۰-۲۶۹) که در ترویج افکار تروریستی بسیار مؤثر بوده و حصول اهداف تروریستی را با جلب افکار عمومی تسهیل کرده است (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۸).

عواملی که تروریست‌های «داعش» را در انتخاب نوع و شیوه توسل به عملیات تروریستی وسوسه می‌کند، عبارت‌اند از: الف) سهولت دسترسی آنها به «مواد منفجره و حتی مواد شیمیایی، بیولوژیکی، میکروبی، رایانه‌ای (سایبر تروریسم) و هسته‌ای»؛ ب) منحصربه‌فرد بودن تأثیر این اقدامات در افکار عمومی و اینکه ذهنیت تمام جهانیان نسبت به عواقب کاربرد مواد منفجره و عملیات مسلحانه تروریستی علیه غیرنظامیان بسیار منفی است؛ ج) صرفاً به دنبال عکس‌العمل روحی - روانی‌اند که در جامعه هدف ایجاد می‌شود. از این رو هر حمله تروریستی «داعش» که به صورت «انفجار یک بمب عادی یا بمب کثیف حاوی مواد شیمیایی، بیولوژیکی، میکروبی و هسته‌ای یا حتی حمله به یک نیروگاه اتمی باشد، ترس و وحشت وصف‌ناپذیری در قربانیان این حملات ایجاد می‌کند (Blum, 2003: 391-393).

اقدامات لازم برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش»

۱. اقدامات دولت‌ها

مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها به منظور پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» می‌توانند اتخاذ کنند عبارت‌اند از: الف) شناسایی انگیزه‌ها و علل این گروه تروریستی و اتخاذ شیوه‌های خاص برای از بین بردن این انگیزه‌ها و علل؛ ب) دشوار کردن دسترسی این گروه تروریستی به «مواد منفجره لازم برای توسل به عملیات تروریستی که مستلزم تقویت سیستم‌های حفاظت فیزیکی اماکن ذخیره‌سازی این مواد با افزایش سیستم‌ها و نیروهای حفاظتی آنهاست؛ ج) از بین بردن اماکن امن این گروه تروریستی تا اینکه نتوانند با فراغت

کامل تمرین کنند و تجهیزات لازم را فراهم آورند؛ د) پیگیری مقابله با سایر جنایات سازمان یافته مثل قاچاق مواد مخدر، تجارت اسلحه و غیره، تا منابع مالی آنها مسدود شود؛ ه) شناسایی عوامل نفوذی آنها با به کارگیری برنامه‌های خاص به منظور تشخیص میزان وفاداری و قابل اعتماد بودن مأموران حفاظتی و ثبات احساسی آنها، اعمال معیارهایی به منظور حفاظت فیزیکی از اماکن نگهداری مواد، تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز آنها مانند «نرده گذاری، تعبیه زنگ‌های خطر ویژه، برقراری ترتیبات خاص کنترلی، به کارگیری مأموران مسلح و نیروهای واکنش سریع در مواقع اضطراری»؛ و) پیش‌بینی تمرینات مداوم برای مأموران حفاظتی جهت بهبود کارایی آنها در استفاده از سلاح‌هایشان، اجرای رویه‌هایی که برای دسترسی به این مواد، تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز عملیات تروریستی به حضور بیش از یک نفر نیاز باشد؛ ز) به کارگیری سیستمی خاص به منظور جلوگیری از استعمال غیرمجاز و غیرقانونی از مواد لازم برای انجام عملیات تروریستی؛ ح) تأمین مالی و روحی - روانی مأموران حفاظتی و توجیه آنها درباره وظیفه خطیرشان جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ ط) تأکید و تشویق دولت‌ها به اجرای قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت (۲۰۱۵) که طی آن عملیات تروریستی «داعش» را مغایر صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است و بیان می‌دارد که «داعش» مرتکب جنایت جنگی به دلیل نقض فاحش مقررات حقوق بشری و تخریب آثار باستانی سوریه شده است. از دولت‌های عضو سازمان ملل رعایت موارد ذیل درخواست شده است:

«تصویب و نظارت بر اجرای قانون ضدتروریستی خودشان و اینکه سازمان‌های ضداطلاعات، فعالیت‌هایشان در زمینه شناسایی این گروه تروریستی و اهداف آنها را بیشتر کنند؛ کنترل ویژه بر صادرات مواد منفجره و تسلیحات متعارف و به خصوص سلاح‌های کشتار جمعی، به گونه‌ای که هر گونه اقدامی به منظور ساخت آنها توسط هر سازمان یا گروهی غیر از دولت‌ها طبق قانون داخلی آنها جرم باشد؛ تقویت اقدامات امنیتی مرزهای بین‌المللی، تأسیسات اتمی و اماکن ذخیره‌سازی مواد، تجهیزات و تسلیحات در سراسر جهان؛ جلوگیری از تأمین مالی و تسلیحاتی آنها» (security council resolution, 2015: 2).

یکی از نکات مهم تدوین قانون مناسب برای دستگیری، محاکمه و مجازات متهمان عملیات تروریستی «داعش» در اسرع وقت و جبران خسارت وارده به قربانیان این حملات است. به گونه‌ای که علاوه بر محکمه دولت محل وقوع جرم (صلاحیت سرزمینی)، محکمه سایر دولت‌ها با اعمال صلاحیت شخصی فعال یا منفعل و حتی صلاحیت واقعی به دلیل ضرورت حفظ امنیت ملی خودشان بتوانند از بی‌کیفری جنایتکاران «داعش» جلوگیری کنند.

۲. اقدامات سازمان ملل

به‌طور کلی عملیات تروریستی «داعش» مغایر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل مذکور در منشور

است. از همین رو همه نهادهای بین‌المللی می‌توانند با استناد به موارد ذیل خواستار اتخاذ اقدام مقتضی توسط شورای امنیت شوند که عبارت‌اند از:

الف) مواد ۵۵ و ۵۶ منشور بیانگر احترام و رعایت حقوق بشرند. با بررسی علل عملیات تروریستی «داعش» می‌توان گفت که بیشتر آنها محصول شرایط نامتعادل و غیرمترقیانه و تبعیض‌آمیز نظام بین‌المللی است که ناشی از برخورد دوگانه و گزینشی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. امروزه همه دولت‌ها اتفاق نظر دارند اقدامات تروریستی مخالف اسناد حقوق بشری هستند (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۹۵)؛ ب) عملیات تروریستی «داعش» تهدیدی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، زیرا ماده ۱ منشور، اولین هدف تأسیس سازمان ملل را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. از این رو براساس بند ۴ ماده ۲ منشور، کلیه اعضا موظف‌اند تا از تهدید یا توسل به زور، علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها خودداری ورزند. این تعهدات اعضا از نوع «تعهدات عام‌الشمول» است که براساس بند ۶ ماده ۲ منشور، دولت‌های غیرعضو سازمان ملل را نیز تحت سیطره و نظام حقوقی خود قرار می‌دهد (کوشا، ۱۳۹۳: ۴).

امروزه علاوه بر اقدامات یکجانبه و دوجانبه دولت‌ها برای مقابله با عملیات تروریستی «داعش»، جامعه جهانی هم باید با همکاری و هماهنگی روزافزون با سازمان ملل به رویکردی جهانی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی برسد. سازمان ملل از مدت‌ها قبل، مرکز تلاش‌های بین‌المللی برای توسعه سیاست‌های مشترک همکاری بین دولت‌ها جهت مقابله با تروریسم بوده است. اما به‌علت نبود توافق بین‌المللی دربارهٔ چارچوب قانونی الزام‌آور برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، تا امروز شیوه برخورد با این پدیده متأسفانه بسیار گزینشی و جزئی بوده است. سازمان ملل اختیارات و اعضای لازم را برای ایجاد وفاق جهانی و تجهیز اقدامات جهانی بر ضد تروریسم را دارد، کما اینکه دربارهٔ کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی موفق بوده است (کوشا، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۵). از همین رو سازمان ملل به‌عنوان مرکز همکاری‌های بین‌المللی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، می‌تواند تضمین کند تا مبارزه با «داعش» موجب قربانی کردن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی شود.

۲.۱. دیر کل سازمان ملل

آقای پتروس گالی در سال ۱۹۹۸ برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی و تأثیر جهانی شدن بر وقوع این عملیات بیان کردند که در عصر ما تروریسم از تهدید ملی به تهدید بین‌المللی و جهانی تبدیل شده و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته است. دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل مسافرت‌های هوایی، دریایی، انقلاب در ارتباطات اینترنتی، اقتصاد جهانی و جهان بدون مرز (دهکده جهانی)، شرایطی را پدید آورده که موجب شده اقدامات تروریستی فراتر از مرزهای ملی و منطقه‌ای گسترش یابند. امروزه «داعش» با

جلب کمک‌های مالی و فناوری هم‌پیمانان فرامرزی خود، با تکیه بر ارتباطات پیشرفته و شبکه‌های تروریستی فراملیتی، می‌تواند در هر مکانی اقدامات تروریستی خود را سازماندهی و اجرا کند. اما واکنش حکومت‌ها در مقابل این اقدامات تروریستی اغلب ناهماهنگ و پراکنده است. متأسفانه تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند و هیچ منطقه، دولت، ملت یا شخصی از اقدامات تروریستی آنها در امان نیست. امروزه تروریست‌های «داعش» از خارج دستور می‌گیرند، در خارج از کشور آموزش می‌بینند، از خارج سلاح دریافت می‌کنند و پس از ارتکاب عملیات خود به کشورهای دیگر پناه می‌برند. چون از نواقص موجود در سیستم همکاری بین‌المللی مطلع‌اند که برای تعقیب و مجازات آنها برپا شده است. از طرفی «آقای کوفی عنان» در سخنرانی خود دربارهٔ اصلاح ساختار سازمان ملل (۲۰۰۴) بیان کردند که «مبارزه با تروریسم باید دارای استراتژی جامع و مبتنی بر پنج اصل باشد: الف) مردمان را از توسل به اقدامات تروریستی یا کمک به دستیابی آنها به اهدافشان بازدارد؛ ب) دولت‌ها را از حمایت تروریست‌ها بازدارد؛ ج) دولت‌ها را برای مقابله و پیشگیری از تروریسم تواناتر کند؛ د) مانع دسترسی تروریست‌ها به امکانات و منابع مالی و فنی لازم برای عملیاتشان شود؛ ه) مدافع حقوق بشر باشد» (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

۲.۲. مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی براساس مادهٔ ۹ منشور یکی از ارکان اصلی سازمان ملل است که وظایف آن در مواد ۱۰ تا ۲۲ منشور ذکر شده است (کوشا، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۳). با توجه به اختیارات وسیع مجمع عمومی و به‌خصوص اینکه اعضای دائم شورای امنیت نمی‌توانند با حق وتوی خودشان مانع تصمیم‌گیری آن شوند، صلاحیت لازم را برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» دارد. از این رو مجمع عمومی می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌هایی دولت‌ها را به پیشگیری و مقابله با این گروه تشویق کند. از طرفی مجمع عمومی مرکز هماهنگی بین‌المللی با مقبولیت جهانی است که کلیهٔ دولت‌های عضو برای مقابله با تروریسم در آن با یکدیگر همکاری دارند. از طرفی مجمع عمومی از سال ۱۹۷۲ به‌طور جدی وظیفهٔ تدوین و توسعهٔ حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد. اما مشکل اصلی و علت عدم موفقیت آن اختلافات زیادی است که بین دولت‌ها دربارهٔ چگونگی تعریف اقدامات تروریستی وجود دارد، تا اینکه در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ مجمع عمومی با وفاق عام (کنسانسوس) اعلامیه در خصوص «اقدامات امحای تروریسم بین‌المللی» را که به قطعنامهٔ ۴۹/۶۰ ضمیمه بود، تصویب کرد. این اعلامیه تمام اعمال، شیوه‌ها و رویه‌های تروریستی را به‌سبب نقض شدید و بارز اهداف و اصول سازمان ملل قاطعانه محکوم می‌کند (طیب، ۱۳۸۲: ۳۲۸-۳۲۷). از این رو عملیات تروریستی «داعش» براساس هیچ‌گونه ملاحظات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی یا هر انگیزهٔ

دیگری موجه و توجیه پذیر نیست. این اعلامیه تعهدات دولت‌ها را برای همکاری بین‌المللی طبق منشور و مقررات حقوق بین‌الملل برای امحای عملیات تروریستی گوشزد می‌کند و از همه سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهد تا برای پیشبرد مبارزه با تروریسم تلاش کنند. از طرفی تا به حال سیزده کنوانسیون برای پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی تصویب شده‌اند؛ چهار کنوانسیون توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مابقی توسط سه نهاد تخصصی سازمان ملل یعنی «ایکائو، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان دریانوردی بین‌المللی (ایمو)» به تصویب رسیده‌اند (Marcello, 2008: 536-537). دولت‌های عضو سازمان ملل با توجه به مفاد این اسناد باید در حد امکان اقدامات ذیل را در پیشگیری و مقابله با عملیات تروریستی «داعش» اتخاذ کنند:

«الف) مجرمانه تلقی کردن هر گونه حمله به اشخاص تحت حمایت بین‌المللی یا اشغال غیرقانونی هواپیما و کشتی؛ ب) جلوگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی بالأخص نمایندگان، دیپلمات‌ها و کارکنان سازمان ملل و غیرنظامیان؛ ج) مجرمانه تلقی کردن هر گونه گروگان‌گیری و به‌کارگیری ابزارهای خطرناک و نامشروع در عملیات تروریستی؛ د) مجرمانه دانستن تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی؛ ه) همکاری در جهت پیشگیری و مقابله و جرم‌انگاری فعالیت‌های تروریستی؛ و) همکاری برای اطلاع‌رسانی و تبادل اطلاعات؛ ز) تأسیس مراجع قضایی ذی‌صلاح برای تعقیب متهمان به ارتکاب عملیات تروریستی؛ ح) مجازات یا استرداد متهمان عملیات تروریستی؛ ط) همکاری در زمینه معاضدت قضایی».

۳.۲. شورای امنیت سازمان ملل

مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامات لازم برای پیشگیری و مقابله با «داعش»، می‌تواند توسط شورای امنیت اتخاذ شود، زیرا منشور یک سیستم نظم عمومی بین‌المللی را ارائه می‌دهد که شورای امنیت علاوه بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید در مقام دفاع از جامعه بین‌المللی، نه احقاق حق دولت قربانی تجاوز، اقدام مقتضی را طبق فصول ششم و هفتم منشور اتخاذ کند. چون مسئله مهم تنبیه کردن دولت متجاوز نیست، بلکه پایان دادن به اخلاف در نظم عمومی جامعه بین‌المللی است که ادامه آن امکان دارد صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد. وظایف و اختیارات ویژه شورای امنیت به موجب مواد ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۵۱ منشور است که در فصول ۶، ۷، ۸ و ۱۲ ذکر شده است. ماده ۲۴ منشور وظیفه اولیه، اصلی و صلاحیت عام شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به رسمیت شناخته است (کوشا، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۶). تنها مشکل عدم تعریف تروریسم و مشخص نشدن مصادیق «تهدید یا به خطر افتادن صلح» است (Svarc, 2007: 3-6). این مسئله موجب عملکرد گزینشی شورای امنیت شده تا هر رویدادی را به تشخیص خودش تهدیدی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند و بتواند

براساس منشور اقدام مقتضی را معمول دارد. از طرفی در منشور صراحتاً به مسئله حقوق بشر اشاره شده و با توجه به اسناد مصوب سازمان ملل، عملیات «داعش» بی‌شک ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و موازین حقوق بشری است (Lemmens, 2004: 223). از این رو شورای امنیت می‌تواند براساس فصل ششم منشور اقدام کند و تدابیری را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طبق ماده ۳۳ منشور توصیه کند (کوشا، ۱۳۹۳: ۴) یا اینکه شورای امنیت می‌تواند براساس فصل هفتم منشور اقدام کند که در این صورت خودش باید طبق ماده ۳۴ منشور تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را احراز و اتخاذ اقداماتی براساس مواد ۴۱ یا ۴۲ منشور را توصیه کند. نقش شورای امنیت برای پیشگیری و مقابله با «داعش» با توجه به عملکرد آن پس از حادثه ۱۱ سپتامبر محرز است، چون قبلاً تروریسم در مفهوم سنتی آن مدنظر بود و شورای امنیت قطعنامه‌های متعددی را به صورت موردی درباره حوادث خاص تروریستی صادر کرده بود. ولی دو قطعنامه خیلی مهم ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ را پس از این واقعه صادر کرد که بیانگر تفسیر موسعی از تروریسم است، زیرا تروریسم را تهدیدی بین‌المللی نظیر حمله مسلحانه به قلمرو دولت‌ها تلقی کرده است (furberg, 2014). در بند ۲ قطعنامه ۱۳۶۸، از تمامی دولت‌ها خواسته تا با همکاری با یکدیگر، عاملان و سازمان‌دهندگان و حامیان این حملات را تسلیم عدالت کنند. در ضمن تمام کسانی را که به آنها کمک مالی کرده، آموزش داده یا حمایت و طرفداری کرده‌اند نیز مسئول (مجرم) تلقی کرده است. در بند ۴ آن خواستار همکاری جامعه بین‌المللی برای افزایش تأثیر اقدامات اتخاذی و بالأخص تأکید بر اجرای کامل کنوانسیون‌های سیزده‌گانه بین‌المللی ضد تروریستی و قطعنامه‌های شورای امنیت شده است (کدخدایی، ۱۳۸۶: ۹۷). مهم‌ترین ویژگی این قطعنامه تأکید شورای امنیت بر شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی طبق ماده ۵۱ منشور برای آمریکا است که بیانگر به‌کارگیری هر گونه تدبیر و اقدام مقتضی است (Svarc, 2007: 5-6). آمریکا و متحدان آن براساس همین بند تحت عنوان «دفاع مشروع پیش‌دستانه» به افغانستان حمله کردند. شورای امنیت طبق ماده ۲۵ قطعنامه ۱۳۷۳ و فصل هفتم منشور، تکالیفی را برای دولت‌ها مقرر کرد و خواستار تأسیس کمیته‌ای خاص شد و اینکه نتیجه اقدامات خود را حداکثر تا ۹۰ روز به این کمیته گزارش دهند. تکالیف دولت‌ها طبق این قطعنامه عبارت‌اند از:

الف) جلوگیری از تأمین مالی عملیات تروریستی در قلمرو خودشان و جرم‌انگاری آن؛
 ب) مصادره منابع مالی گروه‌ها و افرادی که به هر نحو در عملیات تروریستی دخالت دارند؛ ج)
 منع اتباع خود یا هر شخص و گروهی از تأمین منابع مالی و اقتصادی آنها؛ د) جلوگیری از
 تأمین تسلیحاتی آنها (جرایم سازمان‌یافته)؛ ه) دولت‌ها نگذارند گروه‌های تروریستی از قلمرو
 آنها به‌عنوان مکانی امن استفاده کنند؛ و) طبق قانون داخلی خودشان کلیه اشخاص متهم
 به «ارتکاب، برنامه‌ریزی، تأمین مالی، حمایت از گروه‌های تروریستی» را محاکمه کنند؛ ز)

همکاری برای تبادل اطلاعات مربوط به «قاچاق سلاح، مواد مخدر، ارز...»؛ ح) تصویب یا الحاق به کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم از جمله کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب تأمین مالی تروریسم مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹؛ ط) اتخاذ تدابیری مناسب طبق موازین حقوق بین‌الملل از جمله «رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، قبل از اعطای پناهندگی به افراد پناه‌جو؛ ی) تسهیل استرداد متهمان و عدم توسل به سیاسی بودن جرم متهمان عملیات تروریستی» (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۴۸-۲۴۶).

در باره استناد به ماده ۵۱ منشور در قبال عملیات «داعش» برای کمک به دولت‌های ناتوان مانند سوریه و عراق و جلوگیری از اینکه قلمرو آنها به بهشت امنی تبدیل شود، با توجه به رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری (دیوان) می‌توان گفت: الف) دیوان در پرونده دیوار حائل در پاسخ به ادعای اسرائیل و استناد بر قطعنامه تعریف تجاوز و ماده ۵۱ منشور برای مشروعیت حملاتش علیه فلسطینی‌ها اظهار داشت که حق دفاع مشروع فقط در قبال حملات مسلحانه دولت‌ها موجه است. ب) در پرونده مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در دفاع مشروع در قبال حملات گروه‌های غیردولتی بیان داشت که این امر فقط در مواردی جایز است که این حملات قابل انتساب به دولت‌ها باشند؛ ج) دیوان در پرونده نیکاراگوئه خاطر نشان کرد که حمله مسلحانه باید در معنای قطعنامه تعریف تجاوز باشد و دولت حامی کنترل مؤثری بر حملات گروه‌های غیردولتی داشته باشد که هنوز درباره سوریه و عراق و «داعش» محقق نشده است (طباطبائی لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۹۰). از طرفی با توجه به اینکه «داعش» فاقد عناصر لازم برای تشکیل دولت قانونی نظیر قلمرو و جمعیت مشخص، حکومت و حاکمیت است، رویه دولتی نشان می‌دهد که شناسایی به‌عنوان عاملی برای احراز حاکمیت دولت‌های مستقل هنوز برای این گروه تروریستی محقق نشده و دفاع مشروع علیه تروریست‌های «داعش» مجاز نیست (Talmon, 2013:23)، زیرا دفاع مشروع مذکور در ماده ۵۱ منشور در صورت تحقق تجاوز نظامی دولت‌ها امکان‌پذیر است و عملیات تروریستی «داعش» بیانگر تجاوز مسلحانه دولت خاصی علیه سوریه یا عراق نیست.

۳. اقدامات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (NGOs)

حضور پررنگ سازمان‌های غیردولتی در فرایند پایه‌ریزی نظم نوین جهانی پس از جنگ جهانی دوم بیانگر وجود چالش‌هایی در ساختار جامعه بین‌المللی دولت‌محور است. به‌طور کلی این سازمان‌ها، نهادهای مردمی‌اند که توسط دولت‌ها یا در اثر توافقات بین آنها به‌وجود نیامده‌اند (استفانوس، ۱۳۸۶: ۱). این سازمان‌ها با امکان دسترسی وسیع به تمام سطوح جامعه و جلب اعتماد آنها می‌توانند نقش مهمی در حل و فصل معضلات و کاستی‌های جامعه بین‌المللی و تکمیل اقدامات اتخاذی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی داشته باشند. چون همانند آنها

دارای اساسنامه، جلسات مشخص اعضا، تصمیم‌گیری‌های معین و یک هیأت مدیره دائمی‌اند (Lewis, 2009: 2-3). اصول چهارگانه‌ای که این سازمان‌ها باید براساس تعریف سازمان ملل همواره رعایت کنند، عبارت‌اند از: «عدم وابستگی مستقیم به حکومت‌ها؛ نداشتن فعالیت سیاسی؛ نداشتن وابستگی به احزاب سیاسی؛ غیرانتفاعی بودن؛ نداشتن فعالیت خشونت‌آمیز؛ و عدم ارتباط با گروه‌های بزهکار» (Mostashari, 2005: 10).

با توجه به گستردگی حیطة صلاحیت و فعالیت آنها، دامنه وسیعی از مشارکت در سیاستگذاری تا اجرا و نظارت در مسائل بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را در برمی‌گیرد (Werker & Ahmed, 2007: 7). از این رو این سازمان‌ها می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری و مقابله با «داعش» داشته باشند. در این زمینه نقش سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر اهمیت بیشتری دارد. سازمان عفو بین‌المللی در سال ۱۹۶۱ ایجاد شد و در حال حاضر دارای بیش از یک و نیم میلیون عضو از ۱۶۰ کشور جهان است (Uilleberg, 2009: 40). این سازمان علاوه بر دفاع از زندانیان عقیدتی، به‌طور مداوم با سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای وابسته آنها با ارائه اطلاعات موثق همکاری دارد. از این رو این سازمان امروزه به اجتماعی جهانی برای دفاع از حقوق بشر تبدیل شده است. ارزش‌ها و اصول آن طبق ماده ۲ اساسنامه‌اش عبارت‌اند از: «ایجاد همبستگی حداکثری، اقدام مؤثر و به‌موقع برای افراد قربانی نقض مقررات حقوق بشری، پوشش جهانی و جهانشمولی اقدامات اتخاذی، اعتقاد به تفکیک‌ناپذیر بودن حقوق بنیادین همهٔ انبای بشر، بی‌طرفی و استقلال در رویه‌های اتخاذی، تلاش مستمر برای تحقق مردم‌سالاری و احترام متقابل». دیدبان حقوق بشر در سال ۱۹۷۸ به‌منظور نظارت بر تبعیت کشورهای بلوک شرق (شوروی سابق) از مفاد حقوق بشری پیمان هلسینکی ایجاد شد و در سال ۱۹۸۱ شروع به رصد نحوهٔ عملکرد آمریکا کرد. در سال ۱۹۸۸ کمیته‌های این سازمان در سراسر جهان با همدیگر متحد شدند. هدف اصلی آن جلوگیری از نقض حقوق بشر از طریق رهبری و تحقق ائتلاف جهانی برای پذیرش عهدنامهٔ منع سرپازگیری کودکان بود و جایزهٔ صلح نوبل را در سال ۱۹۹۷ بابت تلاش برای مبارزهٔ بین‌المللی و منع کاربرد مین‌های ضدنفر از آن خود کرد. همکاری در ایجاد دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق، کارشناسی و شهادت در دیوان بین‌المللی رواندا و فشار برای بازداشت «پینوشه» در لندن، از مؤثرترین اقدامات آن است.

از همین رو سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی می‌توانند با ارائهٔ پیشنهادهایی به تابعان اصلی حقوق بین‌الملل در تدوین و توسعهٔ مقررات حقوق بین‌الملل به‌ویژه تدوین معاهدات و ایجاد عرف بین‌المللی مشارکت فعالانه‌ای داشته باشند. در قلمرو داخلی دولت‌ها هم می‌توانند تأثیراتی در قانونگذاری و اصلاح قوانین ملی آنها طبق تعهدات بین‌المللی پذیرفته‌شده و سیاستگذاری‌های مربوط برای اجرایی کردن این قوانین به‌نحو احسن داشته باشند و در این خصوص نظارت‌های لازم را انجام دهند. بدین ترتیب تحقق آزادی‌های بنیادین بشر و عدالت

محوری می‌تواند بهتر تضمین شود. سایر اقدامات مهمی که این سازمان‌ها به‌خصوص سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر می‌توانند برای پیشگیری و مقابله با «داعش» انجام دهند عبارت‌اند از:

«الف) کمک به تهیه پیش‌نویس معاهدات بین‌المللی و حتی قطعنامه‌های مربوطه که توسط شورای امنیت می‌تواند برای محکوم کردن این اقدامات صادر گردد؛ (ب) مشارکت در قانونگذاری با مقامات و نهادهای تصمیم‌سازی (مانند شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای حقوق بشر) که در آنها مقام ناظر یا مشورتی دارند؛ (ج) لابی‌گری سیاسی از طریق جمع‌آوری اطلاعات موثق و ارائه آن به مقامات مسئول برای تصمیم‌گیری صحیح و به‌موقع؛ (د) نظارت بر اجرا و مشارکت در آموزش این استانداردها؛ (ه) انتشار اطلاعات و تحریک افکار عمومی درباره «داعش» و اقدامات اتخاذی برای مقابله با آن؛ (و) اجرای نقش حقیقت‌یابی در بحران‌های حقوق بشری ایجادشده توسط «داعش» و رسیدگی به جرایم آنها؛ (ز) اجرای نقش شاهد و افشاگری در موارد نقض مقررات حقوق بشری از طریق تنظیم گزارش‌های کلی و موردی؛ (ح) کمک به سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی آن مانند سازمان بهداشت جهانی برای درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره «داعش» مانند پرونده مشروعیت توسل به سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)».

۴. حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شامل قواعد حقوقی معاهدات لاهه (۱۹۰۷ و ۱۸۹۹) و عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی آن مصوب ۱۹۷۷ است. حقوق لاهه درباره مقررات مربوط به قواعد و آداب جنگ‌های زمینی است و حق طرفین در انتخاب روش‌ها و وسایل مقابله با دشمن در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را محدود می‌سازد. قواعد لاهه تا حدودی مبتنی بر اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ و نتایج کنفرانس ۱۸۷۴ بروکسل است. حقوق ژنو، درباره حمایت از قربانیان جنگ‌هاست تا یک‌سری تضمینات لازم را برای نظامیان زخمی و غیرنظامیان تدارک ببیند. اگرچه این مقررات حقوقی صریحاً عملیات تروریستی «داعش» را منع نمی‌کند، همواره باید ممنوعیت توسل به زور رعایت شود. از این رو دیوان در نظر مشورتی خود درباره مشروعیت کاربرد تسلیحات هسته‌ای در دفاع مشروع بیان می‌دارد: «اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی «ماهیتاً» درباره کاربرد هر گونه تسلیحات و مخاصمه مسلحانه‌ای کاربرد دارند. چون مربوط به «همه شیوه‌های توسل به زور (بین‌المللی و داخلی) و کلیه تسلیحات گذشته و آینده است». از همین رو اصول اساسی آن باید در تمام موارد توسل به زور رعایت شوند که عبارت‌اند از: الف) «اصل تمایز»؛ ب) «ممنوعیت وارد ساختن رنج و درد بیهوده و غیرضروری بر رزمندگان»؛ ج) «اصل تناسب»؛ د) عرف‌های تثبیت‌شده، اصول انسانیت یا ندای وجدان عمومی مذکور در «شرط مارتنس» (کوشا، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۲).

با توجه به مسائل ذکر شده، عملیات «داعش» مغایر اصول اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. از آنجا که عملیات «داعش» فاقد آثار قابل کنترل و محدود است، هدفمند نیستند (فقط نظامیان را هدف نمی‌گیرند و موجب کشتار وسیع افراد بی‌گناه هم می‌شوند) و تأثیرات بسیار مخرب و پایداری بر روح و روان همه افراد جامعه بالأخص خانواده‌های قربانیان این عملیات تروریستی می‌گذارند. دیوان بین‌الملل کیفری هم می‌تواند با استناد به این موارد مبادرت به رسیدگی به جنایات «داعش» با احراز صلاحیت موضوعی، مکانی، شخصی و تکمیلی خود کند (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۲۳-۱) و مجازاتی شبیه به جنایتکاران جنگی را در نظر بگیرند و مانع بی‌کیفری تروریست‌های «داعش» شوند. با توجه به اینکه سوریه و عراق عضو اساسنامه آن نیستند، برای تحقق این امر، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی به‌ویژه سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر می‌توانند از عراق یا سوریه درخواست کنند تا براساس بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه آن اعلامیه‌ای برای قبولی صلاحیت این محکمه صادر کنند یا اینکه از شورای امنیت درخواست کنند تا با استناد به بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این پرونده را برای رسیدگی به این محکمه ارجاع دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بی‌شک عملیات «داعش» عواقب بسیار وخیمی برای غیرنظامیان و جامعه بین‌المللی دارد، زیرا علاوه بر مغایرت با اصل حاکمیت برابر دولت‌ها و منع تهدید یا توسل به زور مذکور در ماده ۲ منشور، موجب وارد آمدن خسارات فیزیکی، روحی - روانی شدید می‌شود، به گونه‌ای که امکان دارد کل منطقه هدف عملیات تروریستی را به سبب آثار روانی پایدار این حملات تحت‌الشعاع قرار دهد. با توجه به گسترش عملیات «داعش» به فرانسه و بلژیک به نظر می‌رسد که قربانی اصلی این عملیات تروریستی پس از عراق و سوریه، اروپا باشد. از این رو پرداختن به شیوه‌های پیشگیری و مقابله با «داعش» از منظر حقوق بین‌الملل اهمیت بسزایی دارد. امروزه تروریست‌های «داعش» از نواقص (منفذهای) سیستم همکاری بین‌المللی تبحر یافته‌اند که برای تعقیب و مجازات آنها بر پا شده است. به عبارتی تروریست‌ها با موفقیت خود را با روند جهانی شدن، وفق داده‌اند. اما تلاش دولت‌ها برای پیشگیری و مقابله با «داعش» در حد ملی و منطقه‌ای باقی مانده است. در قدیم انگیزه حملات تروریستی صرفاً مسائل ایدئولوژیکی، کسب اعتبار و جلب توجه بود؛ ولی امروزه «داعش» با سکوت، حملات خود را اجرا می‌کند.

بهترین راهکار برای پیشگیری و مقابله با «داعش» این است که ابتدا دولت‌ها «دسترسی به مواد منفجره و حتی مواد شیمیایی، بیولوژیکی، میکروبی، رایانه‌ای (سایبر تروریسم) و هسته‌ای» را برای «داعش» محدود یا غیرممکن یا بسیار دشوار کنند و مانع دسترسی آنها به منابع مالی لازم شوند. در راستای تقویت سیستم‌های ضداطلاعاتی خودشان برای شناسایی اعضای آن

گام بردارند تا جلوی گسترش عملیات «داعش» گرفته شود. از طرفی عملیات «داعش» به سبب مغایرت با اصول اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی یعنی «اصل تمایز، اصل تناسب، اصل عدم وارد نیوردن درد و رنج ضروری و عرف‌های تثبیت‌شده، اصول انسانیت یا ندای وجدان عمومی مذکور در «شرط مارتنس» بی‌شک ناقض صلح و امنیت بین‌المللی است. از همین رو شورای امنیت می‌تواند اقدامات مقتضی را طبق منشور اتخاذ کند. از طرفی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رأس آنها سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر می‌توانند با تحریک افکار عمومی از عراق یا سوریه درخواست کنند تا طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اعلامیه‌ای برای قبولی صلاحیت آن صادر کنند یا اینکه از شورای امنیت درخواست کنند تا با استناد به بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه، پرونده «داعش» را برای رسیدگی به این محکمه ارجاع دهد. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی به خصوص سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین‌المللی و دیدبان حقوق بشر می‌توانند برای جلوگیری از دسترسی «داعش» به مواد منفجره، از همه تولیدکنندگان این مواد بخواهند تا در راستای ایمن‌سازی کارخانه‌های تولیدکننده و صادرکننده مواد منفجره و تسلیحات متعارف در جهان به‌طور هماهنگ و همزمان اقدامات ذیل را اتخاذ کنند:

۱. تأمین بودجه و تجهیزات لازم برای بهبود زیرساخت‌ها، حفظ و نگهداری سیستم‌های حفاظتی، امنیتی و نظارتی؛
۲. آموزش محافظان و پرسنل درباره شیوه‌های مدرن نظارت و اقدامات حفاظت فیزیکی؛
۳. به‌کارگیری طرح‌های اصلاحی پایدار و پیوسته؛
۴. شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر و طراحی سیستم‌های ایمنی پیشرفته با استفاده از تجهیزات پیشرفته؛
۵. تشویق پرسنل به تعهد و مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر و نظارت بر کار آنها از طریق دوربین‌های مداربسته؛
۶. تقویت مقررات و قوانین امنیتی، نظارت روزانه و مستمر بر عملکرد آنها؛
۷. دولت‌های صادرکننده مواد منفجره، مواد شیمیایی، بیولوژیکی، میکروبی، رایانه‌ای و هسته‌ای باید تضمین کنند که همه اقدامات امنیتی استاندارد مقرر شده توسط سازمان ملل و سایر نهادهای تخصصی آن مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در زمان حمل‌ونقل و بعد از آن رعایت می‌کنند؛
۸. کارهای امنیتی - نظارتی به افرادی سپرده شود که مسئولیت دیگری ندارند و به‌کارگیری خدمه و کارمندان و دانشمندان مازاد در کارهایی مطابق شأن و مقام آنها با حقوق مکفی و ارائه وام‌های بلندمدت تا به‌علت نیازهای مالی برای همکاری با «داعش» وسوسه نشوند؛
۹. ارائه طرح‌های اصلاحی مشترک که به‌طور هماهنگ توسط همه دولت‌ها رعایت شوند؛
۱۰. به‌کارگیری اقدامات امنیتی چندلایه تا هر پرسنل فقط به بخشی از اطلاعات دسترسی داشته باشد؛
۱۱. تلاش برای قانونگذاری مناسب تا زمینه‌های لازم برای بازداشت، محاکمه و مجازات تروریست‌های «داعش» طبق صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت شخصی فعال یا منفعل مبتنی بر تابعیت مجرم یا مجنی علیه فراهم شود، زیرا بزرگ‌ترین مانع شورای امنیت

برای ارجاع این پرونده به دیوان کیفری بین‌المللی حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت است و با برخی مشکلات صلاحیتی ناشی از عدم عضویت سوریه و عراق در اساسنامه آن و عدم صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت آن مواجه است؛ ۱۲. تأکید بر تصویب یا امضای هرچه زودتر کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان‌یافته و کنوانسیون‌های سیزده‌گانه مقابله با شیوه‌های مختلف توسل به عملیات تروریستی توسط همه دولت‌های جهان؛ ۱۳. از همه مهم‌تر باید دولت‌های جهان به‌طور هم‌زمان و هماهنگ با هم به تقویت نظام قضایی و قوانین کیفری ملی خود همت بگذارند تا تروریست‌های «داعش» همانند سایر مجرمان جنگی محاکمه شوند و درس عبرتی برای دیگران باشند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آقای، بهمن (۱۳۸۲). فرهنگ حقوقی بهمن، چ دوم، تهران: گنج دانش.
۲. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۶). اسناد دیوان کیفری بین‌المللی: (اسناد، سند نهایی و قطعنامه مصوب کنفرانس رم، موافقت‌نامه روابط دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان ملل و موافقت‌نامه امتیازات و مصونیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی)، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۳. طیب، علیرضا (۱۳۸۲). تروریسم، در فراز و فرود تاریخ، تهران: نشر نی.
۴. ----- (۱۳۸۲). تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان حقوقی، تهران: نشر نی.
۵. کاردانکوس، هلن (۱۳۷۱). شوربختی سیاسی: جستاری در قتل روس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات البرز. □
۶. کاظمیان، علی‌اصغر (۱۳۸۳). جایگاه و نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی،
۷. کوشا، سهیلا (۱۳۸۹). چالش‌های حقوقی پیشگیری و مقابله با تروریسم هسته‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۸. ----- (۱۳۹۳). قواعد حاکم بر نحوه عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۹. ----- (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل قضایی، تهران: مجد.
۱۰. کنوانسیون راجع به پیشگیری و سرکوب تروریسم، ژنو (۱۶ نوامبر ۱۹۳۷). مجموعه انتشارات جامعه ملل موضوعات حقوقی، ژنو ۱۹۳۷، ج ۱۰، ش (م ۳۸۳ و س ۵۴۶).

ب) مقالات

۱۱. استفانوس، کارولین (۱۳۸۶). «نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی»، ترجمه حسین قلجی، نشریه الکترونیک آفتاب:
http://www.aftabir.com/articles/view/social/organization/c4c1191666638_non_governmental_organizations_p1.php/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%BA%DB%8C%D8%B1 accessed, 19-1-2017
۱۲. جلالی، محمود؛ شریف شاهی، محمد (۱۳۹۱). «نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۲.
۱۳. حبیب‌زاده، یزدگرد (۱۳۸۱). «تجزیه و تحلیل ابعاد حقوقی واقعه ۱۱ سپتامبر»، اندیشه صادق، ش ۳-۴.
۱۴. ساندوز، یابوس (۱۳۸۲). «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل خطرات و فرصت‌ها»، ترجمه حسن سواری، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی، ش ۲۹.
۱۵. طباطبایی لطفی، سید احمد؛ شارق، زهرا سادات (۱۳۹۵). «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۱.
۱۶. کوشا، سهیلا؛ فروغی‌نیا، حسین؛ دارابی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۲). «نگرشی به مفهوم تروریسم دریایی در مقررات حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علمی تخصصی اندیشمندان حقوقی، سال اول، ش ۳.
۱۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۰). «ملاحظات در باب تروریسم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۳-۳۴.

۲. لاتین

A) Books

18. Ferberg, Rayan, A., (2014). *sanction implementation and the UN security council: the case for greater transparency*, <https://www.ciaonet.org/attachments/24678/uploads>, accessed, 22 June 2016
19. Ferguson, Charles. D & Potter, William. C, (2003). *The Four Faces of Nuclear Terrorism*, Routledge, New York
20. Forst Robin. M, (2005). *Nuclear Terrorism After 9/11*, Routledge, 8th edition
21. Lemmens, p., (2004). *respecting human rights in the fight against terrorism*, in: C. Fijnaut, J. Wouters and F. Naert, *Legal Instruments in the Fight against International Terrorism. A Transatlantic Dialogue*, Martinus Nijhoff, available at: www.gbv.de/dms/sbb-berlin/391090763.pdf accessed, 14-1-2017
22. Lewis, David, (2009). *Nongovernmental Organizations, Definition and*

History, <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.546.7849&rep=rep1&type=pdf> accessed, 19-1-2017

23. Mostashari, Ali, (2005). *An Introduction to Non-Governmental Organizations (NGO) Management*, <http://www.web.mit.edu/isgNGOManagement.pdf> accessed, 22-1-2017
24. Ulleberg, Inger, (2009). *The role and impact of NGOs in capacity development From replacing the state to reinvigorating education*, <http://unesdoc.unesco.org/images/0018/001869/186980e.pdf>, accessed, 22-1-2017

B) Articles

25. Blum, Gabriella, (2003). "The fog of victory", *The European journal of international law*, Vol 24
26. Bloodgood, Elizabeth A. and Tremblay-Boire, Joannie, (2010). "NGO Responses to Counterterrorism Regulations after September 11th", *International Journal of Not-For-Profit Law* <http://www.icnl.org/research/journal/vol12iss4/special1.htm> visited on: 22-1-2017
27. Marcello, Di Filippo, (2008). "Terrorist Crimes and International Co-operation: Critical Remarks on the Definition and Inclusion of Terrorism in the Category of International Crimes", *The European Journal of International Law*, Vol. 19 no. 3, <http://www.politicalperspectives.org.uk/wp-content/uploads/2010/08/CIP-2007-01-03.pdf> accessed, 22-1-2016
28. Svarc, Dominika, (2007), "The military response to terrorism and the international law on the use of force", *Political Perspectives*, Vol 1 (1), pp. 3-6, <http://www.politicalperspectives.org.uk/wp-content/uploads/2010/08/CIP-2007-01-03.pdf>, accessed, 22-1-2017
29. Talmon, Stephen, (2013). "recognition of opposition groups as the legitimate representative of a people", Boon research papers on public international law No 1, *12 Chinese Journal of International Law*
30. Werker Eric and Ahmed Faisal Z., (2007). "What Do Non-Governmental Organizations Do?", *Journal of Economic Perspectives*, <http://www.hbs.edu/faculty/Publication%20Files/08-041.pdf>, accessed, 22-1-2017

C) Web sites

31. https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BF9B-6D27-4E9C-8CD3CF6E4FF96FF9%7D/s_res_2249.pdf, accessed, 9-9-2018
32. https://www.ohchr.org/Documents/AboutUs/CivilSociety/Handbookfor_Civil_Society_Persian.pdf accessed, 9-9-2018
33. <https://www.isna.ir/news/7904-01245/> accessed, 9-9-2018
34. <http://www.icnl.org/research/monitor/index.html> accessed, 9-9-2018